

منهای پایتخت

ردپای گروه‌های لائیک در تبلیغات صداوسیما

● **مشهد- فارس:** آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی، خطیب جمعه مشهد: در مسایل تبلیغاتی به‌خصوص صداوسیما مشکلات زیادی وجود دارد و از این حیث صداوسیما در تبلیغات خود رفاه‌طلبی، افراط و ناهنجاری‌های ارزشی را نشان می‌دهد و این خود به تنهایی معلوم است که این کار توسط گروهی لائیک و ضدارزشی صورت می‌گیرد.

«شافعی نیوز» روی نت

● **سندج – ایرنا:** پایگاه اینترنتی «شافعی نیوز» با هدف معرفی آثار و شخصیت امام شافعی پیشوای فقه شافعی همزمان با سومین روز هفته وحدت در سندج رونمایی شد. نماینده ولی فقیه در استان کردستان گفته ایده راه‌اندازی این سایت از سال ۹۰ شکل گرفت و امسال در هفته وحدت محقق شد. به گفته حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمد حسینی‌شاه‌رودی مطالب این سایت به چهارزبان فارسی، کردی، عربی و انگلیسی منتشر می‌شود.

آمادگی رباط کریم

برای همکاری باکره جنوبی

● **بهارستان – مهر:** ابراهیم نکو، نماینده رباط‌کریم و بهارستان در مجلس: شهرستان‌های رباط‌کریم و بهارستان که در حاشیه پایتخت هستند با داشتن ظرفیت‌های بسیار مطلوب می‌توانند در زمینه‌های مختلف به ویژه در حوزه صنعت و تولید همکاری و تبادل صنعتی و تولیدی خوبی با کشور کره‌جنوبی داشته باشند.

جذب هزار پلیس افتخاری در قزوین

● **قزوین-مهر:** سردار محمدرضا میرحیدری، فرماندهی نیروی انتظامی استان قزوین: به منظور استفاده از مشارکت‌های مردمی و افزایش امنیت عمومی امسال هزار پلیس افتخاری جذب ناجا خواهند شد. انتخاب پلیس افتخاری با توجه به معیارهای مختلفی چون: میزان توانایی، خوشنامی و رفتار و عملکرد آنها صورت می‌گیرد و اکنون ۳۸۰ نفر ثبت‌نام کرده‌اند.

گفت‌وگو با فیروز گوران در سالگرد پایان طولانی‌ترین اعتصاب تاریخ مطبوعات ایران:

نباید قلم‌ها را زمین می‌گذاشتیم

فهیمة نظری خوانساری



پاییز سال۱۳۵۷ پر از فریاد و اعتراض بود. کارگران در کارخانه‌ها، کارمندان در ادارات و بقیه مردم در خیابان‌های ایران، رژیم پهلوی را آماج شعارهای خود قرار داده بودند. روزنامه‌های کثیرالانتشار پایتخت هم در این ایام دو اعتصاب را از سر گذاراندند. اعتصاب اول در مهر۱۳۵۷ اتفاق افتاد و چهارروز به طول انجامید. اعتصاب بعدی ۱۴ماه همان سال آغاز شد. ۱۶دی‌ماه سالگرد به‌پایان‌رسیدن دومین اعتصاب روزنامه‌نگاران ایرانی است. اعتصاب ۶۲روزه روزنامه‌نگاران ایران که طولانی‌ترین اعتصاب مطبوعاتی در تاریخ جهان بوده است به نام اعتراض به اقدام شاه به انتصاب یک دولت تماماً نظامی، به نخست‌وزیری ژنرال ازهری و نیز به حمایت از انقلاب صورت گرفته بود. بیشتر دست‌اندرکاران خبر در رادیو، تلویزیون و خبرگزاری پارس نیز به اعتصاب پیوسته بودند.

شدند. این جریان آنقدر طولانی شد که خود من به‌عنوان یکی از دست‌اندرکاران اعتصاب خسته شده بودم.

● **در مدت اعتصاب، جمعی از مدیران مجلات که مخالف اعتصاب بودند به دیدار هیات‌مدیره سندیکا آمدند، اما باز شما به پایان اعتصاب رضایت ندادید.** این دیدار، موجب تردید اعتصاب‌کنندگان نشد؟

اعتصابیون با وجود مشکلات معیشتی که به‌واسطه اعتصاب برایشان به وجود آمده بود، همه تا آخر ایستادند و هیچ‌کدام از این هسته جدا نشدند.

● **به چه دلیل عده‌ای از مطبوعاتی‌ها با اعتصاب مخالف بودند؟**

تعدادی در پی منافع اقتصادی خود بودند. یک عده هم به دلیل جنبه‌های شخصی و وابستگی به می‌رفتم.

● **در طول مدت اعتصاب با وجود حکومت نظامی و درگیری در شهرها و اینکه مملکت در انفجار خبر به‌سر می‌برد و در آن زمان تنها راه‌های آگاهی‌توده مردم از اوضاع، رادیو و روزنامه‌ها بودند، شما حتی در بولتن‌های سندیکا بیشتر اخبار اعتصاب را کار می‌کردید.** آیا به این فکر نکردید که مطبوعات طرفدار دولت به‌راحتی می‌توانند از این فضای به‌وجودآمده، به‌نفع خود بهره ببرند؟

جو انقلابی آنقدر غالب بود که هیچ‌کدام از روزنامه‌ها با نشریاتی که منتشر می‌شدند اثرگذار نبودند. در سندیکا در مورد اینکه اینها بتوانند از این فضای خالی سوءاستفاده کنند، هیچ نگرانی وجود نداشت. در این دوره، مساجد نقش مهمی در خبررسانی به مردم ایفا می‌کردند و از این جهت اتفاقات اعتصاب مطبوعات به‌نفع انقلابیون بود و آنها نیز بر این موضوع واقف بودند.

● **علی بهزادی مدیر مجله «سپیدوسیاه» در مصاحبه‌ای با مجموعه «تاریخ شفافی مطبوعات» گفته بود در دوره اعتصاب، تیراژ «سپیدوسیاه» از ۵۰هزار نسخه به ۷۰هزار نسخه رسید و به‌خاطر جو اعتصاب، تنها سه‌شماره از مجله در آن دوران منتشر شد.** در حالی‌که باید هشت‌نسخه منتشر می‌شد، اما در همان سه‌نسخه هم «ما آنقدر مقالات انتقادی به دولت از هاری می‌نوشتیم که برخی مقالات ما را به سردر بعضی از مساجد می‌زدند» این گفته شما با سخن علی بهزادی در تناقض نیست؟

نه، تناقضی ندارد چون مجلات هواداران خاص خود را دارند، ما وقتی بحث اعتصاب مطبوعات را مطرح می‌کنیم فقط روزنامه‌ها مدنظر است، ضمن اینکه شامل مجلات هم می‌شد؛ اما اثرگذاری در زمینه خبر، مختص روزنامه‌ها بود و به‌طور خاص: کیهان، اطلاعات و آیندگان. در مجلات و به‌خصوص «سپیدوسیاه» که مطرح کردید، هدف بازتاب خبر نبود گرچه ممکن بود تحلیل‌هایی هم روی برخی اخبار صورت گیرد، ضمن اینکه جو اعتصاب چنان غالب بود که دولتی‌ها نمی‌توانستند در مقابل این‌گونه مقالات گارد بگیرند یا درصدد توقیف مجله‌ای مثل «سپیدوسیاه» برآیند. درواقع اعتصابیون فضا را به‌سود غیراعتصابیون هموار کرده بودند.

● **در طول اعتصاب، سندیکا مراجعات مکرری داشت از شخصیت‌های سیاسی و مطبوعاتی، همچنین جلسات متعددی با دولت، وکلای مجلس و ستاورها، چرا هیچ‌کدام از اینها موجب شکسته‌شدن اعتصاب نشد؟ اگر دولتی‌ها حاضر به کوتاه‌آمدن نبودند، این جلسات برای چه بود؟ چرا آنقدر اعتصاب را طولانی کردید؟**

ما حرکتی را شروع کرده بودیم که راه برگشتی نداشت. نمی‌توانستیم غرور خود را بشکنیم. باید تا آخر ادامه می‌دادیم. به اضافه اینکه هنوز هم اعتصابیون فضا را به‌سود غیراعتصابیون هموار کرده بودند.

شود. کارگران موسسه، انجمن اسلامی را تشکیل دادند که جزئیاتش را نمی‌دانم ولی در همان دوران خاموش اعتصاب، تپ‌های مذهبی کارگران کیهان بیکار نشسته بودند و در چنین شرایطی مصباح‌زاده حتی اگر مخالف هم بود، نمی‌توانست نقشی ایفا کند. تمایل درونی این مدیران، بحث دیگری است اما اینکه بخواهند اعمال نفوذ کنند، اصلاً چنین چیزی نبود.

● **از سخنان شما برمی‌آید که معتقدید ادامه اعتصاب بیشتر مربوط به جو انقلاب می‌شد، نه حقوق سنتی.**

آنچه عرض کردم کماکان فراتر از حقوق صنفی بود. اعتصاب ما با این روحیه بود که به‌سبب فروپاشی نظام شاهنشاهی حرکت می‌کنیم. به‌تصور من بخشی از ما روزنامه‌نگاران به آن سمت می‌رفتیم.

● **در طول مدت اعتصاب با وجود حکومت نظامی و درگیری در شهرها و اینکه مملکت در انفجار خبر به‌سر می‌برد و در آن زمان تنها راه‌های آگاهی‌توده مردم از اوضاع، رادیو و روزنامه‌ها بودند، شما حتی در بولتن‌های سندیکا بیشتر اخبار اعتصاب را کار می‌کردید.** آیا به این فکر نکردید که مطبوعات طرفدار دولت به‌راحتی می‌توانند از این فضای به‌وجودآمده، به‌نفع خود بهره ببرند؟

جو انقلابی آنقدر غالب بود که هیچ‌کدام از روزنامه‌ها با نشریاتی که منتشر می‌شدند اثرگذار نبودند. در سندیکا در مورد اینکه اینها بتوانند از این فضای خالی سوءاستفاده کنند، هیچ نگرانی وجود نداشت. در این دوره، مساجد نقش مهمی در خبررسانی به مردم ایفا می‌کردند و از این جهت اتفاقات اعتصاب مطبوعات به‌نفع انقلابیون بود و آنها نیز بر این موضوع واقف بودند.

● **علی بهزادی مدیر مجله «سپیدوسیاه» در مصاحبه‌ای با مجموعه «تاریخ شفافی مطبوعات» گفته بود در دوره اعتصاب، تیراژ «سپیدوسیاه» از ۵۰هزار نسخه به ۷۰هزار نسخه رسید و به‌خاطر جو اعتصاب، تنها سه‌شماره از مجله در آن دوران منتشر شد.** در حالی‌که باید هشت‌نسخه منتشر می‌شد، اما در همان سه‌نسخه هم «ما آنقدر مقالات انتقادی به دولت از هاری می‌نوشتیم که برخی مقالات ما را به سردر بعضی از مساجد می‌زدند» این گفته شما با سخن علی بهزادی در تناقض نیست؟

نه، تناقضی ندارد چون مجلات هواداران خاص خود را دارند، ما وقتی بحث اعتصاب مطبوعات را مطرح می‌کنیم فقط روزنامه‌ها مدنظر است، ضمن اینکه شامل مجلات هم می‌شد؛ اما اثرگذاری در زمینه خبر، مختص روزنامه‌ها بود و به‌طور خاص: کیهان، اطلاعات و آیندگان. در مجلات و به‌خصوص «سپیدوسیاه» که مطرح کردید، هدف بازتاب خبر نبود گرچه ممکن بود تحلیل‌هایی هم روی برخی اخبار صورت گیرد، ضمن اینکه جو اعتصاب چنان غالب بود که دولتی‌ها نمی‌توانستند در مقابل این‌گونه مقالات گارد بگیرند یا درصدد توقیف مجله‌ای مثل «سپیدوسیاه» برآیند. درواقع اعتصابیون فضا را به‌سود غیراعتصابیون هموار کرده بودند.

● **در طول اعتصاب، سندیکا مراجعات مکرری داشت از شخصیت‌های سیاسی و مطبوعاتی، همچنین جلسات متعددی با دولت، وکلای مجلس و ستاورها، چرا هیچ‌کدام از اینها موجب شکسته‌شدن اعتصاب نشد؟ اگر دولتی‌ها حاضر به کوتاه‌آمدن نبودند، این جلسات برای چه بود؟ چرا آنقدر اعتصاب را طولانی کردید؟**

ما حرکتی را شروع کرده بودیم که راه برگشتی نداشت. نمی‌توانستیم غرور خود را بشکنیم. باید تا آخر ادامه می‌دادیم. به اضافه اینکه هنوز هم اعتصابیون فضا را به‌سود غیراعتصابیون هموار کرده بودند.

شود. کارگران موسسه، انجمن اسلامی را تشکیل دادند که جزئیاتش را نمی‌دانم ولی در همان دوران خاموش اعتصاب، تپ‌های مذهبی کارگران کیهان بیکار نشسته بودند و در چنین شرایطی مصباح‌زاده حتی اگر مخالف هم بود، نمی‌توانست نقشی ایفا کند. تمایل درونی این مدیران، بحث دیگری است اما اینکه بخواهند اعمال نفوذ کنند، اصلاً چنین چیزی نبود.

شاید خیلی‌ها او را بیشتر به‌واسطه انتشار مجله «جامعه سالم» در اوایل دهه۷۰ بشناسند اما «فیروز گوران» سال‌ها پیش از آن، از اعضای شورای نویسندگان روزنامه «آیندگان» و عضو برجسته سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود که در آغاز اعتصاب دوم مطبوعات، در آستانه انقلاب، مدتی را نیز در بازداشت گذراند. او که پس از آزادی، در کنار «رضا مرزبان» و «نعمت نظری»، مسوولیت انتشار بولتن سندیکا در دوران اعتصاب را برعهده داشت ۳۶سال پس از اعتصاب ۶۲روزه، تاکید می‌کند اعتصاب دوم مطبوعات در سال ۵۷ و طولانی‌شدن آن به مدت بیش از دوماه، اشتباهی بزرگ بود و او و دوستانش باید به‌جای کنش‌هایی از جنس اعتصاب، در قامت روزنامه‌نگاران متعهد سرزمینشان، به وظیفه اصلی خود که همانا انتشار اخبار صحیح و نشان‌دادن راه درست به مردم است، همت می‌گماردند. آنچه می‌خوانید، گفت‌وگو با این روزنامه‌نگار و سندیکالیست شناخته‌شده است که در منزلش واقع در کوی نویسندگان تهران انجام شد.

به‌عنوان یکی از دست‌اندرکاران اعتصاب

نقش موثری در ۶۲روز اعتصاب در فعالیت‌های سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات داشتید. فکر می‌کردید این اعتصاب، آنقدر طولانی شود؟ آیا طرحی در ذهن داشتید برای اینکه تا چه زمانی این جریان را ادامه دهید؟ من تصور این بود که در یک پروسه دست‌کم سه‌روزه و حداکثر ۱۰روزه، این اعتصاب پایان می‌یابد و ما می‌توانیم مثل اعتصاب اول خیلی زود به نتیجه برسیم. هرگز تصور نمی‌کردیم که چهار، پنج روز بیشتر ادامه پیدا کند؛ اما برخلاف تصور ما خیلی بیشتر شد. به‌شخصه از روز هشتم با خودم می‌گفتم «چه باید کرد؟ این ماجرا آخر چه خواهد شد؟» اما به‌طور مستقیم و غیرمستقیم خود را قانع کردیم که نظامیان، دولت را در اختیار دارند و مادامی که نظامیان هستند، ما اعتصاب را ادامه می‌دهیم و با این توجیه، خود را دلخوش می‌کردیم.

● **در طول دوران اعتصاب، گروه‌ها و جریان‌های مختلفی که با جریان اعتصاب موافق بودند به دیدار شما و دوستانتان در سندیکا می‌آمدند.** آیا هدف این جریان‌ها، صرفاً حمایت بود یا در خط‌مشی‌های سندیکا هم دخالت می‌کردند؟

برداشت من این است که صرفاً مساله حمایت بود. اگرچه همین حمایت‌ها می‌توانست مشکوک به‌نظر برسد اما در عمل، سندیکای نویسندگان و خبرنگاران تحت‌تاثیر مسایل سیاسی گروه‌ها قرار نمی‌گرفت. ضمن اینکه آن جریان‌هایی که هدفشان منتشرنشدن روزنامه‌ها بود، به هدف خود رسیده بودند، بنابراین نیازی به تحریک بیشتر نداشتند.

● **سندیکا در نخستین بیانیه خود، با یادآوری مذاکره قبلی با شریف‌امامی پس از اعتصاب اول، علت اعتصاب دوم را شکستن توافق پیشین از جانب دولت می‌دانست؛ درحالی‌که شما با شریف‌امامی به توافق رسیده بودید.** حال آنکه نظامیان بر سر کار بودند و شرایط کشور از حالت طبیعی خارج شده بود. با این‌همه، شما مدام بر نکته‌ای تاکید می‌کردید که به جایی هم نمی‌رسید.

بله، چون این کار درواقع بهانه‌ای بود برای پیوستن ما به حرکت انقلابی مردم.

● **آیا در این مدت، سندیکا از جانب بازاریان هم حمایت ملی می‌شد؟**

حمایت بازار بیشتر جنبه روانی داشت، البته در این زمینه به‌خصوص، مسوول دریافت و پرداخت سندیکا افراد دیگری بودند، اما تا جایی که به‌خاطر دارم، بازاریان مدتی پس از اعتصاب اعلام حمایت کردند، حسابی هم به‌همین منظور باز کردند اما در نهایت از جانب آنان مبلغی که بشود به‌عنوان کمک روی آن حساب کرد، واریز نشد.

● **جریان توزیع برگه‌های صدتومانی حمایت از روزنامه‌نگاران اعتصابی در مساجد چه بود؟**

به‌نظر من این حرف صحت ندارد. ممکن است مثلاً در پنج‌مسجد هم این‌کار صورت گرفته باشد. ● **مدیران روزنامه‌ها مثل مصطفی مصباح‌زاده، مدیر کیهان و مسعودی، مدیر روزنامه اطلاعات، چه نقشی در روند اعتصاب داشتند؟ آیا مخالف بودند؟**

تردیدي در این نیست که فردی مثل فرهاد مسعودی می‌خواست روزنامه منتشر شود، کمابیه که حتی همان روز اول اعتصاب هم، اطلاعات در هشت‌صفحه چاپ شد، اما اختلافات و کشمکش‌هایی در آنجا میان موافقان و مخالفان اعتصاب به‌وجود آمد و در نهایت انتشار متوقف شد. جو انقلابی آنچنان جامعه را فراگرفته بود که اگر قصدی هم وجود داشت، برای شکستن اعتصاب باید بهانه‌ای پیدا می‌شد. مدیرانی که مخالف بودند مثل آقای‌فرهاد مسعودی نمی‌توانستند نقش آنچنانی داشته باشند، مصباح‌زاده هم که اصلاً دخالتی نمی‌کرد. البته از یاد نبرید که من در «آیندگان» بودم، اما از قدیمی‌های کیهان به‌شمار می‌آمدم و در جریان وقایع آنجا قرار داشتم. در همان دوران اعتصاب، مسایل مذهبی هم آرام‌آرام در کیهان شکل گرفت. بی‌آنکه اصلاً کیهان منتشر

۳پیشنهادروی میز

چون وقتی این مشکلات حل شود، تصور کنید که با منابعی که ما داریم، چه اتفاقی خواهد افتاد. اگر وضعیت ما در دنیا متفاوت از این چیزی که الان هست، بشود –یعنی رابطه دیگری با دنیا داشته باشیم– من بعید نمی‌دانم که ما ظرف ۲۰سال، اقتصادی بزرگتر از اقتصاد ترکیه داشته باشیم. حضور ایرانیان در سرتاسر دنیا سرمایه است و آنها برای ارتباط برقرارکردن آماده‌اند و اینها را دست‌کم نگیرید. در اروپا واقعا مشکل پیری جمعیت وجود دارد، البته در آمریکا این‌گونه نیست و جمعیت آنها هنوز جوان است. این نیروی بسیار مهمی است که اگر شرایط و فضا باشد، می‌توانند کار کنند.

● **جریان قرارداد نیروگاهی که بین ایران و روسیه راه‌اندازی شد، گویا خیلی روی مذاکرات تاثیر گذاشت.** عملاً حضور لاوروف و هیات مذاکره‌کننده روس و حتی چین در جریان مذاکرات به‌نحوی بود که این‌طور به‌نظر می‌رسید که ما سهم خود را گرفته‌ایم، حالا مذاکره هرطور که می‌خواهد پیش برود. برایشان فرق نمی‌کند؟ نه، من این‌گونه نمی‌بینم. اتفاقاً من پیشنهاد دادم که کنفرانسی در مورد روسیه بگذاریم. من معتقدم قطعنامه‌هایی که روسیه علیه ایران صادر کرده، اپزاری به اوپاما می‌دهد که اگر کنگره آمریکا بخواهد زیاده‌خواهی کند می‌تواند بگوید که ما نمی‌توانیم سرنوشت امنیت منطقه را به سیاست داخلی بعضی کشورها گره بزنیم. این مشابه همان استدلال‌هایی است که اوپاما و کری وقتی می‌خواستند تحریم‌ها را بگذارانند برای اجماع بین‌المللی در سنا مطرح می‌کردند؛ این اوپاما را مجبزه می‌کنند و می‌توانند از زیاده‌خواهی‌کردن کنگره پیشگیری کنند. ما هنوز روسیه را خوب بررسی نکرده‌ایم. مشابه بی‌اعتمادی‌ای که بین ما و روس‌ها وجود دارد فکر کنم فقط بین ما و انگلیسی‌هاست، یعنی بین ما و آمریکایی‌هایی که آنقدر با هم مشکل داریم. اینقدر بی‌اعتمادی وجود ندارد. جایگاه روسیه به لحاظ استراتژیک بررسی نشده است و ما به‌علاقه‌مندم کنفرانسی فقط با موضوع روسیه برگزار شود که بررسی کنیم روسیه کجای سیاست خارجی ما قرار دارد.

● **اگر از منظر روسیه بخواهیم به ایران نگاه کنیم، نگاه آنها چطور است؟**

عین همین دیدگاه است، آنها می‌گویند شما منظر هستید که غرب بگوید، «سلام‌علیکم» تا با آنها وارد مراده شوید، بنابراین آنها هم می‌گویند که شما فقط به‌صورت تاکتیکی روسیه را می‌خواهید؛ یعنی بی‌اعتمادی دو طرفه سفت و سختی بین ایران و روسیه وجود دارد.

● **چین چطور؟**

ما جایگاه چین را هم اصلاً درک نکرده‌ایم و نمی‌فهمیم که چین در حال تبدیل‌شدن به یک ابرقدرت است؛ یعنی در ۱۰ سال آینده به بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا تبدیل می‌شود. ببینید الان چه تعداد کلاس انگلیسی داریم، باید حداقل یک‌سوم آن را به زبان چینی اختصاص می‌دادیم، اما من فکر می‌کنم حتی یک موسسه آموزش زبان چینی هم نداریم. چین در همه جا هست و درحال سرمایه‌گذاری است، اما ما همیشه دنبال غرب هستیم و هیچ‌وقت به چین از لحاظ استراتژیک اهمیت ندهاده‌ایم و نمی‌دانیم چین در حال تبدیل‌شدن به چه قدرتی است.

● **روسیه و چین در مذاکرات هسته‌ای منفعل عمل می‌کنند، چرا؟**

چون به‌نفعشان است. به‌نفع روسیه است تاجایی‌که می‌شود مذاکرات طول بکشد اما یک شرط دارد که نقش بازیگری‌اش کاهش پیدا نکند؛ یعنی اگر ببیند آمریکایی‌ها نمی‌توانند قطعنامه‌ای علیه ایران بگذارند، می‌روند با همفکرانشان ائتلاف درست می‌کنند و نقش روسیه کاهش پیدا می‌کند. بنابراین روس‌ها با آمریکایی‌ها موافقت می‌کنند که علیه ایران یک قطعنامه صادر شود ولی درنهایت نفع روسیه در ادامه وضع موجود است به همین دلیل روس‌ها هیچ‌گونه همکاری‌ای نمی‌کنند.

● **چرا؟**

برای اینکه آمریکا بلافاصله که مشکل هسته‌ای حل شود، نگران تحریک چین و دیگران می‌شود و بلافاصله به عملکرد روسیه در اوکراین گیر می‌دهد. روس‌ها می‌گویند دو دشمن من درگیر هم هستند پس چرا این مساله زود حل شود.

● **کنگره آمریکا با اکثریت جمهوریخواه چقدر در پرونده هسته‌ای تاثیر دارد؟**

خیلی مهم نیست، چون با کنگره قبلی هم اوپاما نمی‌توانست تحریم‌ها را لغو کند و اینها هم در موقعیتی نخواهند بود که بیایند تحریم جدیدی را اعمال کنند چون اوپاما آن را وتو می‌کند و اگر کنگره اعتراض کند بقیه دنیا پشت تحریم‌های آنها نمی‌روند و ما در این داستان ضرر نمی‌کنیم، این است که اوپاما برای لغو تحریم‌ها به این کنگره امیدي ندارد. البته نمی‌گویم خیلی مهم نیست. از لحاظ روانی مهم است اما تاثیر اساسی نمی‌گذارد.

● **کماکان امیدوار هستید که مذاکرات هسته‌ای ختم به خیر خواهد شد؟**

بله. مخالفان دو طرف تلاششان را می‌کنند که این اتفاق نیفتد اما چون در اینجا حاکمیت این تصمیم را گرفته است، سخت‌تر می‌توانند مخالفت کنند اما در آمریکا مخالفت‌ها بیشتر است ولی در مجموع نیروهایی که طرفدار این توافق هستند اینقدر قوی هستند که از پس اینها برمی‌آیند.